

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استراليا

۱۱ فبروری ۲۰۲۵



داکتر محمد کریم فارغی

اوضاع افغانستان متحول می گردد

قبل از پرداختن به اصل موضوع می خواهم یاد آور شوم که پس از سقوط سلطنت و جمهوریت اول در افغانستان، حکومت های بعدی به شکل پروژه ها، از خارج احداث و تمویل گردیده است. حکومت های ساخت اتحاد شوروی وقت نیز مطابق اهداف پروژه مراحل را طی نمود تا بالاخره با سقوط اتحاد جماهیر شوروی، آنها نیز سقوط نمودند. غربی ها پس از سقوط آخرین پروژه حکومتی روسها در کشور، که حکومت "مرحوم نجیب الله" بود، به ستراتیژی دیگری تمسک جستند و آن ایجاد پروژه های موازی با حکومت در کابل بود. آنها عمداً نخواستند تجربه پروژه حکومتی در کابل را در موجودیت مجاهدین عملی نمایند. دلایل متعددی درین راستا وجود داشت؛ یکی آن که آنها چنین تجربه ای را در کشور ما نداشتند و مطمئن نبودند چه نتایجی برایشان حاصل خواهد شد. دوم این که آنها نمی خواستند در موجودیت مجاهدین فاتح ولی بدون ظرفیت، دست به یک تهور سیاسی بزنند و حکومت پروژه ئی را تمویل و تجهیز نمایند. لذا آنها "ان جی او" ها را ایجاد و در وجود آنها از یکطرف آزمایشات خودشان را در بخش اداره و منجمنت به راه انداختند و از طرف دیگر برای آینده خودشان در بین افغان ها ظرفیت سازی نیز کردند، چنانچه که دیدیم بعد ها این افراد که رأس "ان جی او" ها بودند، در حضور بالقوه و بالفعل امریکا و شرکایشان، مورد استفاده قرار گرفتند، آقای سلام رحیمی، معصوم ستانکزی، حنیف اتمر و عده دیگری از این گروپ افراد بودند. من شاهد بودم که قبل از سقوط پروژه اول طالبان در سال ۲۰۰۱ فعالیت ها و آمادگی ها در پشاور و اسلام آباد و شاید در بعضی از کشور های اروپائی در موجودیت همین افراد سرعت گرفت و پلان ها و قدمه های اجرائی در زمان های مختلف سه ماه اول، شش ماه و یکسال ترتیب یافت.

پروژه طالبان اول که در سال ۱۹۹۶ مورد اجرائی یافت در آن بیشتر به تضعیف و انزوای مجاهدین، انحصار قدرت توسط افراد مورد نظر استخبارات جهانی در فورم مذهب و اقوام و آزمایشات گسترده در ایجاد مزارع هنگفت کوکنار، مطمح نظر بود .

پروژه طالبان دوم پس از آن به وجود آمد که امریکا و در رأس نظامیان و استخبارات آنها، پول های هنگفتی را که از منابع خود و شرکای شان به نام پروژه مبارزه با تروریسم و دوباره سازی افغانستان، در حساب هایشان جابه جا کردند، آنها نمی توانستند پروژه بدنام ضد تروریسم را که ضمیمه آن جمهوریت مسخره و فاسد کابل بود، متحول بسازند و یکشنبه به یک اداره قابل قبول و جوابگو در داخل و برای جامعه جهانی آن را مبدل نمایند. بناءً به زمان بندی و ترفندی باید می پرداختند تا نقش پای سهم داران و شرکای مفسد قبلی پاک و قیاحت زدائی صورت گیرد .

آنها بالای پروژه دوحه هژده ماه کار کردند. در این مدت خلاف آنچه ظاهراً ادعا می شد که حکومت فاسد کابل در جریان گذاشته نشد، افراد معینی درین حکومت که تعهدات عمیق با منافع امریکا داشتند چون آقای اشرف غنی، کرزی، عبدالله عبدالله، معصوم ستانکزی، سلام رحیمی، محب الله محب و امثالهم به جز از آقای صالح، کاملاً در جریان قرار می گرفتند .

پروژه دوحه مطابق ذهنیت های حاکم در کشور، به طور مرحله وار طرح گردیده است. در مرحله اول حاکمیت قشر افراطی و متحجر که فاقد کود های تعاملی و همکاری با تمویل کنندگان پروژه اند، مدنظر گرفته شده است. از آنها توقع می رفته است تا هر آنچه از افکار و ذهنیت های تجری داشتند، به منصفه عمل بگذارند. با این حال، هم در سطح داخل و هم مجامع بین المللی منزوی گردیده و نظام آماده تغییر می گردد. چنانچه پس از مدت حدود سه سال این زمینه مساعد گردیده است .

در مرحله بعدی افراد مشخص تر و مورد شناختی رول شان را ایفا نموده و پروژه داخل مرحله جدید خود خواهد گردید .

می خواهم یاد آور شوم که نظام اوتوکراسی طالبان با شدت هرچه تمام تر آن همچنان حفظ خواهد گردید و مخالفان آنها طی یک سری از ترور های زنجیره ئی، در داخل و خارج از صحنه خارج خواهند گردید
ادامه دارد....